

آب گرم و آب سرد

سفر به جمهوری آذربایجان که دو ماه پیش و به قصد بازدید از یک مرکز درمانی تازه تأسیس در باکو صورت گرفت. بسیار کوتاه بود، کمتر از ۱۵ ساعت!

عصر هنگام به باکو رسیدیم و با یک بنز S کلاس از بزرگراه جدید و با عظمت به سهولت خود را در جلوی درمانگاه یافتیم.

این مرکز درمانی در یک ساختمان بازسازی شده قرار داشت، بجامانده از زمان اتحاد جماهیر شوروی، که صلابت از در و دیوار آن می بارید، و دوستان ما سعی کرده بودند در درون آن ظرافت هم ایجاد کنند. مرکز کاملاً مدرن و مجهز بود و بازدید از آن ساعاتی به طول کشید.

میزبان مهربان، ما را به بهترین رستوران سنتی باکو برد و در مهمان نوازی چیزی فروگذار نکرد و شب هنگام مرا با همان بنز S کلاس به هتل بسیار زیبایی بردند که اگرچه اتاق های معدودی داشت، ولی بسیار زیبا و باشکوه ساخته شده بود. یک سراج (سوئیت) بسیار زیبا با در و دیوار چوبی و سقف بلند و لوازم و اسباب زیبا و دسترسی رایگان به اینترنت و ماهواره.

با پذیرش هتل راجع به اتصال به اینترنت صحبت کردم. رمز عبور و نام کاربر به من داد و چون موفق نشدم که وصل شوم، گفت: فردی را می فرستد. پسر جوانی آمد که اگرچه از آداب مهمانداری آنگونه که در

هتل های غربی رایج است چیزی نمی دانست ، اما مشکل اتصال مرا به اینترنت به یک چشم به هم زدن برطرف کرد .
باوجود آنکه کامپیوتر من پردازنده خوبی ندارد ، اما سرعت اتصال عالی بود ، فوق تصور...!

خواستم به دستشویی بروم که بزرگ با سنگ بر و کف کرم و وان جکوزی دار و همه چیز در حد عالی...! البته یک شیلنگ برای طهارت که نشانه احترام به آداب اسلامی بود .

تاجایی که من می دانم درهمه جا آبگرم را سمت چپ و آب سرد را سمت راست می بندند و اگر شما اهرم شیر مخلوط را به سمت راست بچرخانید آب سرد می آید و در سمت چپ آبگرم . چون هواچندان سرد نبود من دسته اهرم را به سمت راست چرخاندم و ...

چشمتان روز بد نبیند ، همان یک لحظه تماس آب داغ با مناطق بسیار حساس بدن چه بروزم آورد افریادی از سر درد کشیدم و بار دیگر جای اهرم را کنترل کردم ، درست در منتهی الیه راست بود ولی آب گرم که نه ، آب جوش از آن جاری بود .

یادم آمد که چندین سال قبل ، درغذاخوری بیمارستانی که در آن کار می کردم ، به همراه مدیر بیمارستان نشسته بودم ، یک فرد بسیار محترم که علاوه برشخصیت خودش دارای لباسی بود که آنهم احترام را می طلبید ، از مدیر پرسید که دستشویی کجاست ؟



آقای مدیر راهنمایی کرد و ما به خوردن غذا ادامه دادیم ، یک ربع بعد آن مرد محترم با صورتی برافروخته آمد ولی با متانت و آرامش به مدیر گفت : " جای شیر گرم و سرد را معکوس بسته اید ! " معلوم شد که همان بلا در مناطق خاص بدن بر سر آن مرد محترم آمده است ، که مسلمان نشوند کافر نبیند ...

جالب است که در بیمارستان آتیه هم همین اشتباه در لوله کشی صورت گرفته است . در دوش های استخر و سونا و حتی توالت دفتر مدیریت ...، و تمام این لوله کشی ها هم زیر نظر مهندسین باتجربه و واقعاً دانشگاه دیده طراحی و اجراء شده است . من این تجربه را حتی در یک مورد چه در آپارتمانها و چه در هتل ها در آنسوی دریای پارس و یا کشورهای غربی ندیده ام .

درست است که این یک بی توجهی کوچک است ولی نشان دهنده حاکمیت فرهنگ سهل انگاری است . و درجایی که فرهنگ سهل انگاری حاکم باشد ، نه جاده ها امن است ، نه قطارها و نه هواپیماها و نه فرودگاه ها و نه نیروگاه ها و سدها و ...، والبته نه بیمارستان ها ! امنیت لازمه ثبات و پیشرفت اجتماعی است و فرهنگ سهل انگاری امنیت ذهنی و روانی را نشانه می رود .

دکتر خلیل علی زاده

تهران - ده بهمن ماه



